

Handwritten Arabic calligraphy, likely a signature or a short text, rendered in a stylized, bold script. The text is oriented vertically and appears to be a name or a phrase, possibly "محمد بن عبد الله" (Muhammad bin Abdullah) or similar, though the exact meaning is difficult to discern due to the stylization and overlapping lines. The calligraphy is written in black ink on a white background.

101022



پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

# قلمرو حوزه عمومی و حوزه خصوصی در ولایت مطلقه فقیه

استاد راهنما:

دکتر داود فیروزی

استاد مشاور:

دکتر نجف لکزایی

نگارنده:

حامد مشکوری نجفی

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۲

پاییز ۱۳۸۶

۱۵۴۲

تقدیم به همه آنان که در مسیر ولایت و عدالت اسلامی  
تلاش می‌کنند

## تقدیر و تشکر:

لازم است از کلیه کسانی که من را در انجام این تحقیق یاری کرده‌اند تشکر کنم خصوصاً از استاد گرامی دکتر داود فیرحی که با سعه صدر فراوان و راهنمایی‌های ارزشمند خویش بیش از همه در این امر کمک کار من بود و دکتر نجف لکزایی که با تذکرات و ارشادات بجای خود بسیاری از نواقص این تحقیق را رفع کرد صمیمانه قدردانی می‌کنم. همچنین از کمک‌های ارزشمند دوست و محقق گرامی حجت الاسلام محمد اصغری نژاد تشکر می‌کنم، دکتر سید صادق حقیقت، دکتر محمود شفیعی، دکتر محمد جواد ارسطی، و نیز همه از اساتیدی هستند که هر یک به نحوی در تکمیل و به ثمر رسیدن این تحقیق همکاری داشته‌اند، از هر یک از آنها کمال تشکر را کرده و موفقیت روزافزون را برای همگی آنان آرزو می‌کنم.

## چکیده:

عزت و کرامت انسانی در هر اجتماع در گرو توجه به فرد و دولت و به رسمیت شناختن حدود و حریم هر یک از آن دو حوزه است. رعایت نکردن حوزه خصوصی موجب تحقیر افراد و پایمال کردن حقوق شخصی آنان، و سرکوب استعدادهای می‌گردد و متقابلاً محدود کردن بیش از حد دولت در حوزه عمومی که حوزه فعالیت آن است موجب ناکارآمدی نظام سیاسی در انجام وظایف محوله خواهد شد.

تاریخ همواره شاهد افراط و تفریط‌های نظام‌های مختلف سیاسی در این موارد بوده و بدون شک در این میان نظام‌هایی از موفقیت بیشتری برخوردار بوده‌اند که توانسته‌اند تعادلی معقول و منطقی بین حقوق فردی و اجتماعی برقرار کرده و ضمن احترام و توجه به نیازها و حقوق افراد، به نوعی مصالح و ضرورت‌های اجتماعی را نیز تامین و تضمین نمایند.

نظریه ولایت مطلقه فقیه چگونه توانسته است چنین تعادلی را برقرار کرده و امکان بهره‌مندی جامعه اسلامی از نظام سیاسی کارآمد مبتنی بر عزت و عدالت اسلامی را فراهم آورد، موضوعی است که این تحقیق به آن می‌پردازد.

## کلید واژه‌ها:

حوزه خصوصی، حوزه عمومی، ولایت مطلقه فقیه، حدود و اختیارات ولی فقیه، حریم خصوصی.

## فهرست

۱	مقدمه
۱	علل انتخاب موضوع
۱	سابقه پژوهش
۲	سوال اصلی
۲	فرضیه پژوهش
۲	مفاهیم و متغیرها
۳	سوالات فرعی پژوهش
۳	پیش فرض‌های پژوهش
۴	مدل نظری
۴	اهداف پژوهش
۴	روش پژوهش
۴	روش گردآوری مطالب
۵	سازمان دهی پژوهش
۶	فصل اول: مدل نظری
۷	مفهوم حوزه عمومی و حوزه خصوصی
۷	بررسی معنای لغوی
۸	بررسی معنای اصطلاحی
۱۰	مفهوم مورد نظر در پژوهش حاضر
۱۰	مصادیق و مواردی از حوزه عمومی و حوزه خصوصی

- فصل دوم: تبیین واژه‌ها ..... ۱۲
- ۱- ولایت ..... ۱۳
- ۲- ولایت مطلقه فقیه ..... ۱۳
- تبارشناسی و ساختار شناسی "ولایت مطلقه فقیه" ..... ۱۴
- ولایت مطلقه فقیه و احکام اسلامی ..... ۱۷
- ۳- ولایت عامه فقیه ..... ۱۸
- ولایت عامه در مقابل ولایت مطلقه ..... ۱۸
- الف: کاشف الغطاء و ولایت عامه ..... ۱۹
- ۱- تقسیم ولایت به اعتبار جهت ..... ۲۰
- ۲- تقسیم ولایت به اعتبار مولی علیه ..... ۲۰
- ب: ولایت عامه از نظر شیخ انصاری(ره) ..... ۲۱
- ۱- اموری که وظیفه و شغل امام(ع) است ..... ۲۱
- ۲- اموری که امام(ع) بر آنها ولایت و سلطنت دارد ..... ۲۲
- مقایسه نظر شیخ انصاری با نظر کاشف الغطاء(ره) ..... ۲۳
- ج- ولایت عامه و شهید سید محمد صدر ..... ۲۳
- ۴- ولایت بر اموال و نفوس ..... ۲۴
- مفهوم اجمالی ولایت بر اموال و نفوس ..... ۲۶
- امام خمینی(ره) و ولایت بر اموال و نفوس ..... ۲۶
- ولایت بر اموال و نفوس و حوزه خصوصی ..... ۲۷
- روشهای اجتهاد از دیدگاه شهید صدر ..... ۲۹
- ترجیح مصالح عمومی بر منافع شخصی ..... ۳۳
- تبیین ولایت بر اموال و نفوس ..... ۳۵
- ۵ - مصلحت نظام ..... ۳۵
- انواع مصلحت ..... ۳۶

۳۹.....	فصل سوم: قلمرو حوزه عمومی در ولایت مطلقه فقیه.....
۴۰.....	بخش اول: حوزه عمومی و احکام اولی و ثانوی.....
۴۰.....	احکام اولیه و ثانویه.....
۴۲.....	حکم حکومتی.....
۴۳.....	تفاوت حکم حکومتی و احکام اولیه و ثانوی.....
۴۴.....	تفاوت احکام حکومتی و احکام فتوائیه.....
۴۴.....	احکام حکومتی و احکام اولیه.....
۴۴.....	احکام حکومتی و احکام ثانویه.....
۴۵.....	نسبت احکام حکومتی و احکام اولیه و ثانویه.....
۴۵.....	بررسی کلمات امام(ره) در خصوص لزوم رعایت احکام اسلامی.....
۴۶.....	احکام اسلامی و شرایط ویژه.....
۴۶.....	بررسی نامه ۱۳۶۶/۱۰/۱۶.....
۴۹.....	ادله عدم محدودیت احکام حکومتی در احکام اولی و ثانوی از منظر امام(ره).....
۵۰.....	مثالهایی از تفکیک احکام ثانویه و احکام حکومتی بوسیله امام(ره).....
۵۱.....	ضوابط احکام حکومتی و احکام اولیه و ثانویه از منظر امام(ره).....
۵۳.....	نتیجه گیری.....
۵۵.....	بخش دوم: حوزه عمومی و قانون.....
۵۵.....	مقدمه.....
۵۶.....	نظریات فقهای اسلامی در مورد قوانین معتبر در اسلام.....
۵۸.....	مراحل تقنین احکام فقهی.....
۵۸.....	ضرورت رعایت قانون در کلمات امام(ره).....
۵۹.....	الف: نظریه میثاق امام و امت.....
۶۱.....	ب: نظریه انتخاب.....
۶۲.....	قانون و وضعیت‌های ویژه.....



- عملکرد امام(ره) و شواهد تاریخی ..... ۶۳
- مصلحت در دیگر نظام‌های سیاسی ..... ۶۵
- قانون اساسی جمهوری اسلام ایران و ولایت مطلقه فقیه ..... ۶۶
- قانون اساسی و مصالح نظام ..... ۶۶
- جمع بندی ..... ۶۹
- بخش سوم: حوزه عمومی و حوزه خصوصی ..... ۷۰
- مبانی فقهی کلامی اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ره</sup> و حوزه خصوصی ..... ۷۰
- ۱- اصل توحید ..... ۷۰
- ۲- اصل برابری انسان‌ها ..... ۷۱
- ۳- اصل آزادی انسان ..... ۷۱
- ۴- اصل عدم ولایت ..... ۷۲
- اصول اولیه و دو حوزه عمومی و خصوصی ..... ۷۲
- تخصیص اصول اولیه بوسیله اصل ولایت فقیه ..... ۷۳
- ترجیح مصالح عمومی ..... ۷۳
- جمع بندی ..... ۷۵
- عملکرد امام(ره) و حوزه خصوصی ..... ۷۶
- عملکرد امام(ره) و فرمان هشت ماده‌ای ..... ۷۶
- قانون اساسی و حوزه خصوصی ..... ۷۸
- جمع بندی ..... ۸۰
- بررسی برخی شبهات ..... ۸۱
- پاسخ ..... ۸۲
- انواع و اقسام احکام اسلامی ..... ۸۳
- الف: تقسیم بندی احکام اسلام به لحاظ مکلفین ..... ۸۳
- ب: تقسیم بندی احکام به اعتبار موضوع و مسائل احکام ..... ۸۳

## مقدمه:

قلمرو اختیارات و قدرت دولت از جمله مسائلی است که از دیر باز در محافل عملی رشته‌های حقوق و سیاست مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بر اساس مبانی گوناگون نظرات متفاوتی در این خصوص ارائه شده است.

رابطه نظام سیاسی و دولت با موضوعاتی از قبیل احکام شریعت، قانون اساسی و حریم خصوصی از دیدگاه نظریه "ولایت مطلقه فقیه" مسائلی است که این تحقیق عهده دار رسیدگی به آن است. بدون شک هر یک از موارد فوق دارای اهمیت خاص و ویژه‌ای است که موجب می‌شود بر حساسیت و اهمیت موضوع این تحقیق افزوده شود.

## علل انتخاب موضوع :

اکنون که به لطف الهی سالهاست که نظام جمهوری اسلامی بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه بنیان نهاده شده است، لازم است زوایای مختلف این نظریه به طور کامل مورد توجه و دقت قرار گرفته و نظریه پردازان و نیز مجریان در نظام اسلامی با خصوصیات و ویژگی‌های این نظریه آشنایی لازم را داشته باشند. از جمله مهمترین مسائلی که در این میان مطرح است حدود و ثغور قدرت در نظریه ولایت مطلقه فقیه است که این تحقیق در صدد توضیح و تبیین آن است، مسلماً نتایج این پژوهش برای اندیشمندان و نیز دست اندرکاران نظام اسلامی در مسائل مربوط به نظریه پردازی، تدوین قوانین و نیز اجرای قوانین مصوب رهگشاست و همچنین این نتایج برای عموم مردم علاقمند به آشنایی با نظامی سیاسی‌ای که در آن زندگی می‌کنند می‌تواند مفید واقع شود.

## سابقه پژوهش:

اگر چه برخی از ابعاد این مطالعه بطور ضمنی مورد بررسی محققین علوم سیاسی، علوم اسلامی و یا برخی از رشته‌های حقوقی قرار گرفته است و در قالب مباحثی مانند

دموکراسی، آزادی در نظریه امام(ره) و یا اندیشه های سیاسی امام(ره) به آن پرداخته شده است و بدین ترتیب زوایایی از مسئله مورد نظر ما را بررسی کرده اند و یا تحت عنوان حدود و حوزه قدرت در نظام ولایت مطلقه فقیه به ابعاد مختلفی از موضوع این تحقیق پرداخته اند ولی علاوه بر ضعف هایی که در بسیاری از این مطالعات از جهت اتقان و جامعیت مطالب به چشم می خورد، از منظری که در این پژوهش به این مسئله خواهیم پرداخت به این موضوع توجه نشده.

### سوال اصلی:

قلمرو و حدود قدرت دولت اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت مطلقه فقیه چیست؟ و حدود و حریمی که حوزه خصوصی در این نظریه داراست کدام است؟

### فرضیه پژوهش:

علی رغم آنکه بنظر می رسد در نظریه ولایت مطلقه فقیه به اعتبار بکارگیری عنوان اطلاق، حد و مرزی برای نظام سیاسی مبتنی بر این نظریه وجود ندارد، ولی در واقع این نوع از ولایت به حدودی از قبیل رعایت مصالح اجتماعی، رعایت قانون، قوانین اسلامی و رعایت حریم خصوصی مقید است.

### مفاهیم و متغیرها:

در جای خود هر یک از متغیرها را بطور مفصل توضیح خواهیم داد و برای آنکه بطور اجمال خوانندگان محترم از مفاهیمی که در این تحقیق بکار می رود آشنایی داشته باشند اشاره می کنیم که عمده مفاهیمی که در این تحقیق لازم است از آنها آشنایی لازم را داشت عبارتند از:

۱- ولایت: منظور از این واژه تصدی امر، ولایت سیاسی و حکومت است.

۲- ولایت مطلقه فقیه: این اصطلاح، اصطلاحی فقهی و در مقابل ولایت مقیده فقیه بکار می رود و منظور از آن ولایتی است که همه امور سیاسی و حکومتی از ائمه اطهار(ع) به ولی فقیه واگذار شده و محدود به امور خاصی از قبیل قضاء، امور حسبیّه و امثال آن نباشد.

۳- حوزه عمومی: منظور از حوزه عمومی در اینجا مسائل و موضوعاتی است که قلمرو دولت محسوب شده و تصدی و رسیدگی به آن به عهده دولت و نظام سیاسی است.

۴- حوزه خصوصی: در مقابل حوزه عمومی است و منظور از آن مسائل و موضوعاتی است که قلمرو دولت محسوب نمی‌شود و بطور معمول تصدی و رسیدگی به آن به عهده دولت و نظام سیاسی نباشد.

۵- مصلحت نظام: مفهومی کلیدی است که بسیاری از مسائل را در فقه سیاسی اسلامی تحت الشّاع قرار می‌دهد و منظور از آن در اینجا مفهومی اعم از مصلحت اسلام، مسلمانان، و حکومت اسلامی است.

### سوالات فرعی پژوهش:

قلمرو حوزه عمومی نسبت به احکام اولیه و ثانویه اسلامی چیست؟

قلمرو حوزه عمومی نسبت به قانون چیست؟

قلمرو حوزه عمومی نسبت به حوزه خصوصی چیست؟

قلمرو حوزه خصوصی نسبت به احکام اسلامی چیست؟

قلمرو حوزه خصوصی نسبت به قانون کدام است؟

قلمرو حوزه خصوصی نسبت به حوزه عمومی چیست؟

### پیش فرضهای پژوهش:

ولایت مطلقه فقیه به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریات فقه سیاسی شیعه و معیاری برای شناخت نظریات و دیدگاههای اسلام انقلابی است که با الهام از مبانی اسلام خصوصا تشیع، امروزه به عنوان نظریه و طرحی عملی برای مدیریت و توسعه سیاسی جوامع اسلامی مطرح است. مهمترین نظریه پرداز در این عرصه امام خمینی(ره) است که علاوه تبیین و تشریح جزئیات این نظریه تنها فقیه جهان تشیع است که موفق شده است نظام سیاسی مبتنی بر این نظریه را تاسیس نموده و آن را تجربه کند.

## مدل نظری:

دو اصطلاح حوزه عمومی و حوزه خصوصی که بررسی قلمرو هر یک از آنها مسئله این پژوهش است از نظریه حوزه عمومی یورگن هابرماس نظریه پرداز آلمانی تئوری انتقادی الهام گرفته شده است. ولی آنچه در این رساله مد نظر است مفهوم متعارف و لغوی این دو عبارت است این معنا اگر چه به نحوی در تئوری حوزه عمومی هابرماس نیز لحاظ شده است ولی وجوه افتراقی نیز در اینجا وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

## اهداف پژوهش:

تبیین و توصیف دقیق قلمرو قدرت دولت در دو حوزه عمومی و خصوصی در نظریه ولایت مطلقه فقیه که می‌تواند برای محققان و نظریه پردازان، قانون گذاران و مجریان کاربرد داشته باشد همچنین برای روشن شده اندازان عمومی در شناخت نظریه ولایت مطلقه فقیه که در جهت آشنایی آنان با حقوق و وظایف شان می‌تواند مفید باشد.

## روش پژوهش:

روش پژوهش توصیفی و تبیینی است؛ بدین معنی که سعی کرده‌ایم قلمرو دو حوزه عمومی و خصوصی را در نظریه ولایت مطلقه فقیه بر اساس دیدگاههای نظریه پردازان آن توضیح داده و مسائل مختلف مربوط به آن را مورد بررسی و تبیین قرار دهیم.

## روش گردآوری مطالب:

روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است در عین حال از روش‌های نوین گردآوری مطالب خصوصا سایت‌های اینترنتی و نرم افزارهای موجود نیز حداکثر بهره برداری را کرده‌ایم.

## سازمان دهی پژوهش:

علاوه بر مقدمه این مطالعه دارای چهار فصل و پخش نتیجه گیری است که به شکل زیر سازمان یافته‌اند:

در فصل اول مدل نظری را مطرح کرده‌ایم که در آن مفهوم لغوی و اصطلاحی "حوزه عمومی" و "حوزه خصوصی" و سپس مفهوم مورد نظر ما از این دو اصطلاح مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل دوم به تبیین واژه های مختلف مربوط به مسئله تحقیق پرداخته شده است و واژه‌هایی چون ولایت، ولایت مطلقه، ولایت عامه، ولایت بر اموال و نفوس و مصلحت که از جمله اصطلاحاتی است که آشنایی با آنها لازمه هر شناخت دقیق از فقه سیاسی شیعی، خصوصا در نظریه ولایت مطلقه فقیه است مورد مطالعه قرار گرفته است.

در فصل سوم قلمرو حوزه عمومی نسبت به هر یک از احکام اسلامی، قانون و حوزه خصوصی بحث شده و در فصل چهارم نیز قلمرو حوزه خصوصی نسبت به احکام اسلامی، قوانین و حوزه عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## فصل اول

### مدل نظری

## مفهوم حوزه عمومی و حوزه خصوصی

آنچه که ابتدائاً از عبارات حوزه عمومی و حوزه خصوصی به ذهن خطور می‌کند این است که معانی روشن و واضحی دارند، ولی این عبارات علاوه بر معنای لغوی و ظاهری شان امروزه در معنای اصطلاحی خاصی که به عنوان یکی از تئوریهای مطرح که در آسیب شناسی اجتماعی جوامع مدرن به آن پرداخته می‌شود نیز به کار می‌روند.

این مفهوم از حوزه عمومی و حوزه خصوصی و مفهوم لغوی این عبارات کاملاً از یکدیگر مغایرند بنابراین این لازم است قبل از هر چیز این دو معنا بطور واضح تبیین شده و مفهوم مورد نظر در این تحقیق مشخص شود. لذا ابتدا به بیان هر یک از معانی فوق پرداخته و وجه تمایز و اشتراک این معانی را مشخص می‌کنیم و سپس به بیان این امر می‌پردازیم که منظور ما کدامیک از معانی ذکر شده است تا مسئله و موضوع مسئله در تحقیق روشن شود.

### بررسی معنای لغوی:

در کتب مشهور لغت فارسی معنایی برای عبارات "حوزه عمومی" و "حوزه خصوصی" به صورت واژه‌های مرکب، یافت نمی‌شود ولی برای هر یک از کلمات به کار رفته در این عبارات بطور مجزا معنای ای ذکر کرده‌اند که در اینجا می‌آوریم:

حوزه به معنای ناحیه<sup>۱</sup> و حدود<sup>۲</sup> و عمومی به معنای مربوط و منسوب به عموم،

همگانی، چیزی که شامل همه گردد، قابل استفاده برای عموم و در مقابل خصوصی است.<sup>۳</sup>

و همچنین واژه خصوصی به معنای ویژه، اختصاصی، خارج از نظارت و حوزه

کارهای دولتی و در مقابل دولتی ترجمه شده است.<sup>۴</sup>

۱ - فرهنگ دهخدا.

۲ - فرهنگ بزرگ سخن.

۳ - فرهنگ دهخدا و فرهنگ بزرگ سخن.

۴ - پیشین.



## بررسی معنای اصطلاحی:

در تئوری انتقادی "حوزه عمومی"<sup>۱</sup> و "حوزه خصوصی"<sup>۲</sup> به عنوان مفهومی خاص مطرح شده است این مفهوم اولین بار بوسیله یورگن هابرماس<sup>۳</sup> در کتاب تحول ساختاری حوزه عمومی - کاوش در جامعه بورژوازی مطرح گردید، او در این کتاب بطور تاریخی و جامعه شناختی میزان ارتقاء و افول حوزه عمومی به معنایی که خود از این عبارت اراده کرده است را توضیح داده است.

در نظریه هابرماس تنها دو حوزه عمومی و خصوصی وجود ندارد بلکه او سه حوزه خصوصی، عمومی و دولتی را مطرح می سازد؛ حوزه عمومی شامل حوزه عمومی سیاسی، حوزه عمومی ادبی (کلپها و مطبوعات) و شهر(بازار محصولات فرهنگی) است. و حوزه خصوصی نیز شامل قلمرو مبادله کالا و کار اجتماعی (که هابرماس آن را "جامعه مدنی" می نامد.) و فضای صمیمی خانواده است و حوزه دولتی نیز شامل دولت (قلمرو سیاست) و دربار(محفل اشرافی- درباری) است.<sup>۴</sup>

حوزه خصوصی در این نظریه علایق خصوصی و جزئی افراد در تمامی فعالیتهای آنها در جهت کسب منافع شخصی را شامل می شود. و حوزه دولتی به علایق کلی و انضمامی افراد که به شکل قدرت عمومی نمایان می شود ارتباط پیدا می کند و حد فاصل این دو حوزه، حوزه عمومی است این حوزه به مجموعه ای از کنشها و نهادهای فرهنگی اطلاق می شود که این امکان را به افراد می دهد تا فراتر از منافع خصوصی و حزبی و فارغ از دخالت دولت در باره مسائل کلان و عمومی به اظهار نظر و بحث و گفتگوی آزاد پرداخته از این طریق به اجماع، توافق و علایق کلی و انضمامی دست یابند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>- Public Sphere.

<sup>۲</sup>-Private Sphere.

<sup>۳</sup>-Jurgen Habermas.

<sup>۴</sup>- هابرماس، یورگن، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۵۷.

<sup>۵</sup>- براتعلی پور، مهدی، حوزه عمومی در ایران پس از انقلاب اسلامی ایران، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، قم: دانشگاه باقرالعلوم(ع) ۱۳۷۸، ۸.

هابرماس خود حوزه عمومی را به عنوان " عرصه ای که در آن افراد به منظور مشارکت باز و علنی گرد هم می آیند " تعریف می کند.<sup>۱</sup>

با توجه به توضیحات فوق بطور خلاصه می توان گفت که حوزه عمومی در تئوری انتقادی شامل هر عرصه ای است که در آن بتوان به اظهار و ابراز و تبادل افکار عمومی پرداخت و موجب مشارکت افراد در عرصه اجتماعی شود و حوزه خصوصی نیز عرصه هر نوع فعالیت در جهت منافع شخصی و گروهی است.

این معنا با مفهوم لغوی که برای این دو عبارت ذکر کردیم اختلاف زیادی دارد و به اصطلاح منطقی دارای نسبت عام و خاص من وجه هستند بدین معنا که برخی از مصادیق حوزه عمومی و حوزه خصوصی در مفهوم تئوری انتقادی جزو مصادیق این مفهوم در معنای لغوی اند مانند اماکن عمومی، دانشگاهها و فرهنگ سرا های دولتی که محل اظهار و تبادل افکار عمومی نیز هستند زیرا که این موارد در هر دو مفهوم از مصادیق حوزه عمومی محسوب می شوند. و مانند موسسات شخصی و خصوصی که تنها در جهت کسب منافع شخصی بکار گرفته شده و عرصه تبادل افکار عمومی نمی باشند که در هر دو مفهوم از مصادیق حوزه خصوصی محسوب می شوند. و برخی از موارد نیز وجود دارند که تنها در یکی از دو مفهوم به عنوان حوزه عمومی و خصوصی شناخته می شوند مانند قهوه خانه ها، نشریات و موسسات شخصی که محل تبادل افکار عمومی هستند، این اماکن در حالی که به اعتبار مالکیت شخصی شان در تعریف لغوی در حوزه خصوصی قرار دارند بنابر تعریف در تئوری انتقادی جزو حوزه عمومی قرار می گیرند و نیز موسسات دولتی که به امور سیاست گذاری و اجرای امور اجتماعی اشتغال دارند در نظریه هابرماس در حوزه عمومی نیست در حالی که در مفهوم لغوی این موارد از مصادیق بارز حوزه عمومی محسوب می شود.

<sup>۱</sup> - هابرماس، یورگن، نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران: نشرنی، ۱۳۷۸، ۲۵.

## مفهوم مورد نظر در پژوهش حاضر:

آنچه در این مطالعه مد نظر است معنای متعارف و لغوی است و به طور دقیق‌تر منظور از حوزه عمومی ناحیه‌ای است که تحت کنترل و نظارت و به طور ل قدرت دولت قرار دارد و منظور از حوزه خصوصی نیز ناحیه‌ای است ویژه افراد و گروه‌ها که خارج از نظارت و قدرت دولتی است، این معنا علاوه بر این که شامل اصطلاح حقوقی «حریم خصوصی»<sup>۱</sup> است، بسیاری این موارد دیگر از قبیل آزادی‌های فردی و گروهی، آزادی احزاب، آزادی بیان و قلم را نیز در بر می‌گیرد همچنین این معنا شامل اختیاراتی و حقوقی می‌شود که مترتب بر زوجیت و ملکیت است.

## مصادیق و مواردی از حوزه عمومی و حوزه خصوصی

براساس آنچه که گذشت می‌توان مثالهایی را برای واضح شدن مواردی که این تحقیق به آن می‌پردازد ذکر کرد مواردی از قبیل آنچه مربوط به برقراری نظم و امنیت عمومی می‌شود، مقابله با تهاجمات خارجی و بی‌نظمی‌های داخلی، محافظت از داراییهای شخصی و عمومی حفظ منابع طبیعی، جنگلها و مراتع، ذخایر و معادن و نیز حمایت از آثار باستانی و بطور کلی فرهنگ و تمدن، رسیدگی به نابسامانی‌های اقتصادی، تامین بهداشت و رفاه عمومی را می‌توان از مهمترین مصادیق حوزه عمومی یعنی حوزه دخالت دولتی دانست. همچنین برای حوزه خصوصی نیز می‌توان موارد زیر را مثال زد:

حوزه فعالیت احزاب و گروهها، مطبوعات، فکر و اندیشه فردی خلوت و تنهایی در منزل، وسایل ارتباطی شخصی از قبیل تماسهای تلفنی، نامه‌ها، ایمیل‌ها، گفتگوها و چت‌های رایانه‌ای،

---

<sup>۱</sup> - «حریم خصوصی» (*privacy*) یک مفهوم سیال است که امروزه از جمله آزادی اندیشه، کنترل بر جسم خود، خلوت و تنهایی در منزل، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، آزادی از نظارت‌های دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیشها و تجسسها را شامل می‌شود. " (انصاری، باقر، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی شماره ۶۶ زمستان ۱۳۸۳ صفحه ۵).

اختیار نسبت به ملک و املاک، حق انتخاب شغل، همسر و تصمیم گیری در نحوه زندگی شخصی، کنش و منش در کلیه مسائل مربوط به خود.

بنا بر این نتیجه تحقیق حدود و حوزه دخالت دولتی در هر یک از دو محدوده فوق را نشان خواهد داد.